اخبار کوتاه

## خسارت گسترده آتش به ساختمان ۷ طبقه

آتش و دود از پنجره‌های واحد مسکونی طبقه ششم بیرون می‌زد و خبری هم از اهالی آن نبود. در میان ترس و اضطراب ناشی از حریق و بی‌خبری مطلق از ساکنان منزل مسکونی، آتش‌نشانان به محل رسیدند. گام اول دور کردن شهروندان از محل و پیشگیری از خطرات احتمالی بود، گام دوم قطع کردن گاز و برق از محل کنتور بود که با همکاری مدیر ساختمان انجام شد. گام سوم آگاهی از سرنوشت اهالی منزل شعله‌ور بود، اما کسی از آن‌ها خبری نداشت. در این شرایط عملیات امداد و نجات برای محبوس‌شدگان احتمالی و مهار و اطفای حریق آغاز شد. آتش‌نشانان با شیلنگ‌کشی و رساندن خود به طبقه ششم این ساختمان هفت‌طبقه متوجه شدند که در کانون حریق کسی حضور نداشته و به همین دلیل آتش‌سوزی گسترده شده است. رئیس ایستگاه شماره ۳۰ آتش‌نشانی مشهد که از نزدیک این حریق را در بولوار امیریه هدایت می‌کرد، گفت: آتش‌نشانان این حریق را مهار و از سرایت آتش به سایر منازل این مجتمع مسکونی جلوگیری کردند که خوشبختانه در این حادثه به کسی آسیب نرسید. محمد اختر شناس با اشاره به خسارت گسترده به این منزل مسکونی اعلام کرد: کانون اولیه این حادثه آشپزخانه این منزل بوده و علت دقیق آن در دست بررسی است.

## کشف ۵ تن موادغذایی تاریخ گذشته در مشهد

طی چند هفته اخیر حدود ۵ تن موادغذایی تاریخ گذشته از فروشگاه‌های اطراف حرم مطهر رضوی کشف شد. مسئول بهداشت محیط مرکز بهداشت ثامن مشهد در این باره به ایرنا گفت: این موادغذایی شامل مواد لبنی، سوهان، گز و دیگر مواد خوراکی است. حسین رضازاده با اشاره به اینکه، مغازه‌داران این موادغذایی را برای شب عید تهیه کرده بودند اما به دلیل شیوع کرونا و بسته بودن مغازه‌ها نتوانسته‌اند آن‌ها را بفروشند، بیان کرد: به دنبال بازگشایی صحن‌های حرم مطهر، طرح کشف و شناسایی موادغذایی تاریخ گذشته نیز شدت می‌گیرد.

## قتل والدین با برنو

فردی که پدر و مادرش را در روز عید فطر به ضرب گلوله کشته و متواری شده بود، دستگیر شد. فرمانده انتظامی ممسنی فارس درباره جزئیات این جنایت گفت: با اعلام این حادثه، مأموران به محل اعزام شده و متوجه شدند که مرد و زنی سالمند در منزل مسکونی خود به ضرب گلوله فرزندشان کشته شده‌اند و قاتل بلافاصله پس از وقوع جرم با یک خودرو پراید متواری شده است. به گفته سرهنگ محمدهاشم قسام، مأموران با تحقیقات تخصصی موفق شدند کمتر از ۱۲ ساعت قاتل را در یکی از محلات شهرستان ممسنی شناسایی و دستگیر کنند. متهم به قتل پدر شصت‌وهفت ساله و مادر شصت‌وسه ساله خود اعتراف کرد. از مخفیگاه او نیز یک قبضه اسلحه برنو که در درگیری استفاده شده است به همراه تعدادی مهمات مربوط کشف شد.

# اعتراف سارقان نوجوان به ۷۵ فقره زورگیری و سرقت

### متهمان دهه هشتادی که عامل سرقت‌های سریالی بودند دستگیر شدند

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

**برداشت اول**

با کلی قرض و قوله پیش قسط یک گوشی تلفن همراه هوشمند را داد و برای مابقی حساب هم چند فقره چک کشید. هنوز موعد اولین چک نرسیده بود که در محدوده کوی امیرالمومنین(ع)، زمانی که گرم صحبت با دوستش بود دو جوان موتور سوار نزدیکش شدند و بعد هم گوشی‌اش را از دستش ربودند. گوشی‌ای که بابتش کلی بدهی بالا آورده بود، حالا در دست دو جوانی قرار داشت که او تنها توانسته بود لباس و کوتاهی-بلندی قد و قواره‌شان را در ذهنش بسپارد. چند قدمی فریادکنان دنبال موتورسیکلت سارقان دوید اما نفسش تنگ شد و به ناچار در کنار خیابان ایستاد و ناامیدانه به موتورسیکلتی خیره شد که هر ثانیه در قاب چشمانش کوچک و کوچک‌تر می‌شد. موضوع را به پلیس گزارش کرد اما کار از کار گذشته بود و حالا باید بدهی‌ای را صاف می‌کرد که دیگر هیچ نفعی از آن نمی‌برد.

**برداشت دوم**

از ظاهرش پیدا بود که ۲۰-۱۹ سال داشته باشد. دوستش کمی دورتر روی موتورسیکلت انتظارش را می‌کشید. پسرک با یک دست یقه مرد جوان را چسبیده بود و با دست دیگر چاقویش را به نشانه زدن بالا گرفته بود و مدام تهدیدش می‌کرد. مرد جوان گوشی تلفن همراه و هرچه داشت را به او داد. پسرک که به مقصودش رسیده بود یقه مرد را رها کرد و بعد هم ترک موتور همدستش نشست و هر دو فرار کردند. قلبش تند می‌زد و دست و پایش را گم کرده بود. هنوز برق تیغه چاقو مقابل چشمانش بود. مدارک، کارت‌های بانکی و گوشی تلفن همراهش را دو دستی تقدیم سارق جوان کرده بود. خیابان شب‌زده فرامرز عباسی خلوت بود و کسی هم رفت و آمد نمی‌کرد. در همان لحظه نور چراغ یک پراید نظرش را جلب کرد. خودش را جلو ماشین انداخت تا شاید راننده آن بتواند کمکش کند. پلیس به محل آمد و صورت‌جلسه سرقت را هم تنظیم کرد اما کار از کار گذشته بود و احتمال به دام افتادن سارقان یک در هزار بود.

**برداشت سوم**

شب بود و درست و حسابی نتوانست جوانان موتور سوار را ببیند. چشمانش را به پلاک موتور دوخت تا شماره‌اش را در ذهنش ذخیره کند اما شماره‌ها ناخوانا بودند و تشخیص داده نمی‌شدند. حوالی میدان جانباز بود که همسرش با او تماس گرفت. خیابان خلوت بود و می‌خواست از خیابان رد شود که دو جوان موتورسوار نزدیکش شدند و بعد هم گوشی تلفنش را از چنگش درآوردند. از ظاهر و قدوقواره‌شان پیدا بود که کم سن و سال هستند. چراغ‌های موتور را عمدا خاموش کرده بودند تا در تاریکی بولوار جانباز کمتر به چشم بیایند. تقلای او برای به دست آوردن گوشی گران‌قیمت تلفن همراهش بی‌نتیجه بود. سارقان از دیدش خارج شده بودند و کاری هم از دستش بر نمی‌آمد. از پلیس کمک خواست و تحقیقات این پرونده همانند دیگر پرونده‌های سرقت در دست پیگیری قرار گرفت.

**برداشت چهارم**

شب از نیمه گذشته بود که وارد کوچه شد و ماشینش را پارک کرد. به عقب برگشت تا کیف و کتش را از روی صندلی عقب بردارد که یک موتور کنارش ایستاد. لامپ روشن داخل خودرو و انعکاسش در شیشه‌ها، آن‌ها را شبیه به آینه کرده بود و فضای بیرونی خودرو به خوبی دیده نمی‌شد. در این میان ناگهان درهای جلویی سمند باز شد و دو پسر جوان که سر و صورتشان را پوشانده بودند به سرعت تا کمر خود را داخل خودرو کشیدند. تیزی چاقویشان هراس در دل مرد جوان انداخت و در یک چشم برهم زدنی هرچه همراهش بود را با خود بردند.

موضوع را به ۱۱۰ گزارش کرد اما چه فایده که مدارک و پول و تلفن همراهش از چنگش رفته بود.

**دوشب‌پیش**

چند شبی می‌شد که مأموران دایره تجسس کلانتری آبکوه مشهد در پی به دام انداختن دو جوان موتور سواری بودند که در محدوده‌های کوی امیرالمومنین(ع)، میدان جانباز و بولوار شهید فرامرز عباسی مرتکب گوشی‌قاپی، کیف‌قاپی و زورگیری شده بودند. حجم بالای گزارش‌های این سرقت‌ها اهمیت این پرونده را دو چندان کرده بود و از همین رو مأموران کلانتری گشت‌های نامحسوسی را به هدف به دام انداختن این افراد به راه انداختند.

تحقیقات میدانی مأموران اطلاعاتی کلانتری ۲۲ مشهد منتج به سرنخ‌هایی از متهمان این پرونده شد. چند دوربین مداربسته در بولوار فرامرز عباسی و میدان جانباز هویت آن‌ها را برملا کرده بودند. در بررسی مشخصات ظاهری یکی از سارقان مشخص شد که از مجرمان سابقه‌دار است و همین برگ برنده مجریان قانون را در یک قدمی متهمان قرار داد.

دو شب پیش سرانجام سارقان سریالی فراری در مخفیگاهشان دستگیر و موتورسیکلت آن‌ها که پلاکش مخدوش شده بود توقیف شد. متهمان که دو جوان هفده و نوزده ساله هستند در همان جلسه اولیه بازجویی به جرمشان اعتراف کردند و مدعی ۷۵ فقره زورگیری و سرقت در محدوده‌های کوی امیرالمومنین(ع)، بولوار شهید فرامرز عباسی و بولوار جانباز مشهد شدند. در این میان اما دست یک مال‌خر اموال مسروقه که با سارقان همکاری داشت هم برای قانون رو شد و این فرد نیز در منطقه خواجه‌ربیع مشهد به دام پلیس افتاد. به گفته سرهنگ عباس صارمی ساداتی، فرمانده انتظامی مشهد متهمان پس از تشکیل پرونده برای ادامه تحقیقات در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

# داستان داس، کابوس ماست

### واکاوی قتل هولناک یک دختر ۱۴ ساله در تالش که حسابی جنجال به پا کرد

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir



توی عکس اول، به دوربین زل زده و لبخند ملیحی هم نشسته روی لبش. مشکی پوشیده با یک شال روشن. پشت سرش پنجره‌های آبی‌رنگ قدیمی است و کنار دستش یک گلدان سفالی با گل‌های زردرنگ سرزنده. حتما وقتی این عکس را می‌گرفته ابدا به ذهنش خطور نکرده که قرار است یک روز گوشه بالای سمت چپ آن یک نوار مشکی بخورد، بشود خبر رسان مرگش و دست به دست توی شبکه‌های اجتماعی بچرخد. عکس دومش اما خودش نیست و آگهی ترحیمش است؛ آگهی ترحیمی که به مناسبت سومین و هفتمین روز درگذشتش منتشر شده در حالی که هم‌زمان نام پدر و نام قاتلش روی آن نقش بسته.

**قتل موقع خواب به دست پدر**

مطابق آنچه تا الآن به گوش رسیده و آن‌گونه که خبرگزاری‌ها و سایت‌های مختلف این خبر را منتشر کرده‌اند حکایت، حکایت یک دلباختگی است. دلباختگی دختری چهارده ساله (البته سن رومینا که متولد ۱۳۸۵ بیان شده، در برخی از منابع خبری ۱۳سال ذکر شده است.) به یک پسر بزرگ‌تر از خودش که رسیدنشان به یکدیگر با مخالفت پدر دختر روبه‌رو می‌شود و در نهایت هردو تصمیم به فرار می‌گیرند. چند روز بعد از این اتفاق، با پیگیری‌هایی که صورت می‌گیرد، دستگیر می‌شوند و دختر را نیروی انتظامی به خانواده‌اش تحویل می‌دهد. اما این سرانجام ماجرا نیست. پدر زمانی که دخترش در خواب بوده به سراغ او رفته و گردنش را می‌برد. مرگ رومینا در بخش حویق شهرستان تالش رخ می‌دهد و به اذعان افراد محل، پدر بعد از ارتکاب به قتل در حالی که داس در دستانش بوده به قتل دخترش اعتراف می‌کند و بعد از آن بازداشت می‌شود و به مراجع قضایی تحویل داده می‌شود. بخشدار حویق درباره این اتفاق گفته که پدر این دختر هم اکنون در زندان به سر می‌برد. در ادامه دادستانی نیز به عنوان مدعی‌العموم به قضیه ورود پیدا کرد و بهزیستی اعلام کرد که حمایت‌های لازم را در این زمینه انجام خواهد داد. به گفته سرپرست معاونت اجتماعی پلیس استان گیلان، متهم در تحقیقات پلیس علت و انگیزه قتل دخترش را اختلافات خانوادگی و فرار از منزل به قصد ازدواج با مردی ۳۵ ساله و برخلاف رضایت او به دلیل اختلاف سنی زیاد بیان کرده است.

**دو روایت از یک جنایت**

انتشار خبر قتل فجیع رومینا توسط پدرش، دیروز تمام صفحات اجتماعی، سایت‌ها و خبرگزاری‌های رسمی کشورمان را به‌خود اختصاص داد و بسیاری از رسانه‌ها به تحلیل و بررسی این حادثه تلخ پرداختند. در این میان نیلوفر حامدی، خبرنگار سایت خبری میدان، به‌سراغ اسفندیار اشرفی، عموی مقتول و بهمن، مرد ۳۵ ساله‌ای که رومینا را دوست می‌داشت رفت تا ابعاد تازه‌ای از این جنایت خانوادگی را روایت کند؛ این گفت‌وگوها دو روایت متضاد از یک ماجرای جنایی بود که در ادامه می‌خوانید. ماجرا از ارتباط رومینا و بهمن آغاز شد؛ رابطه‌ای که به‌زعم بهمن عاشقانه و از نظر عموی رومینا با رعب و تهدید همراه بود. بهمن حدودا ۳۵ سال دارد و حالا و بعد از رومینا زندگی خود را نابودشده می‌داند: «چند سالی بود که عاشق هم بودیم و بالاخره تصمیم گرفتم تا یک نفر را بفرستم و او را از پدرش خواستگاری کنم، اما از آنجایی که مذهب ما یکی نبود، مخالفت کردند. به‌همین خاطر هم دختر به من گفت که پدرم رضایت نمی‌دهد. همین شد که با هم فرار کردیم و ۵ روز ناپدید شدیم. بعد از این ماجرا بود که پدرش در پاسگاه حویق از من به‌جرم آدم‌ربایی شکایت کرد. حتی به‌من تهمت زد که دخترش را بیهوش کردم و گاو و طلاهایش را هم دزدیدم. پاسگاه دختر را خواست و او هم به آن‌ها گفت که به‌خواسته خودش با من آمده است، ولی پدرش بی‌خیال نشد. در آگاهی آستارا هم از من شکایت کرد و چند روز بعد آگاهی با من تماس گرفت، ولی چند نفر از بستگان آمدند و خواستند که ما با هم صیغه کنیم تا ماجرا تمام شود... موقع بازجویی من گفتم که آن دختر را دوست دارم و اجباری در کار نبوده است و دختر هم در بازجویی این حرف‌ها را تأیید کرد. یک شب در بازداشتگاه ماندم، اما در نهایت تبرئه شدم.»

پس از این اتفاقات، رومینا به خانه برمی‌گردد و به گفته بهمن، وقتی مادر خانواده در حمام مشغول شستن لباس‌ها بوده است، پدر ابتدا سعی می‌کند دخترش را خفه کند و وقتی موفق نمی‌شود، سر دختر را با داس می‌برد؛ با شیون‌های مادر و بقیه همسایه‌ها پلیس سر می‌رسد و قاتل را بازداشت می‌کند.

این داستان اما وقتی از زبان خانواده رومینا نقل می‌شود، تفاوت بسیاری با روایت بهمن دارد. اسفندیار اشرفی، عموی رومینا می‌گوید اصلا تفاوت مذهبی موضوع مهمی نبوده است و این پسر رومینا را تهدید کرده بود: «این پسر رومینا را با زور و تهدید اینکه او را می‌کشد با خود برد و ۶ روز تمام هم او را نگه داشت. بعد از این موضوع حتی ما خواستیم که بیایند و خواستگاری کنند، اما خانواده آن پسر گفتند نه، پسر ما اشتباه کرده است! حتی عاقد آمده بود که عقدشان کند، اما آن پسر قصدش چیز دیگری بود.» او می‌گوید که بهمن رومنیا را اغفال کرد و پس از آن باعث شد که برادرش به‌مرز جنون برسد: «آن پسر در این مدت بارها با من تماس گرفت و ما را تهدید کرد. به ما فحاشی می‌کرد. اگر از رومینا عکسی نمی‌فرستاد، این مسائل پیش نمی‌آمد. اصلا کدام مردی وقتی بخواهد با یک دختر ازدواج کند، عکسش را در اینستاگرام می‌گذارد؟ کدام مردی عکس ناموسش را در دنیا پخش می‌کند؟» برادر قاتل که از قضا عموی مقتول هم هست می‌گوید مادر رومینا شرایط خوبی ندارد: «مادرش ۴۰ سال بیشتر ندارد و این روزها هم عزادار است. او هم فامیل ما و مثل خواهرمان است. حالا چه کنیم؟ او ولی دم است و باید برای پرونده تصمیم بگیرد. برادر من یک پسر ۶ ساله هم دارد. حالا زندگی‌اش نابود شده است. ما خانواده باآبرویی بودیم، اما آن پسر همه زندگی ما را به‌هم زد.»

**ورود سیاسی‌ها به ماجرای قتل رومینا**

کانال‌ها و سایت‌های خبری استان گیلان نیز در اولین روز از خرداد این خبر را منتشر کردند و بعد از مدتی چهره‌های سیاسی هم به این اتفاق ورود کردند. معصومه ابتکار معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با هشتگ ستم خانگی و خشونت خانگی به این ماجرا واکنش نشان داد و نوشت: «برای حفاظت از خانواده، موارد کودک‌آزاری و خشونت خانگی را به ۱۲۳ اطلاع دهیم؛ این وظیفه انسانی هر شهروند با وجدان است.» او همچنین طی دستوری مسئول حقوق شهروندی معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری را موظف به پیگیری این پرونده کرد. شهیندخت مولاوردی، معاون پیشین رئیس جمهور در امور زنان و خانواده گفت: «رومینا نه اولین قربانی قتل‌های ناموسی است و نه آخرین آن؛ تا زمانی که قانون، رویه قضایی و فرهنگ حاکم و مسلط بر جوامع محلی و جهانی بازدارندگی لازم را نداشته و با تشویق و ترویج آن در خدمت این جنایت بشری باشند.» او در انتها نیز از هشتگ لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت و لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان استفاده کرد. روزنامه‌نگاران و خبرنگاران زیادی هم در خیل این واکنشگران وجود داشتند که به نوعی به این حادثه پرداختند. فریور خراباتی در این باره نوشت: «موضوع قتل رومینا فراتر از یه پدر روانیه! اون نگاه‌های سنگین اطرافیان، طعنه‌ها، بی‌غیرت صدا شدن‌ها، سرتو چطوری بالا میاری ها و ... که از اطراف بهش منتقل شده داس رو داده به دستش. این حل نشه قربانی‌های دیگری هم توی راه خواهند بود.»

اخبار جهان

## سبقت برزیل از آمریکا در کرونا

**برزیل** | فارس | مقامات برزیل اعلام کردند که ظرف ۲۴ ساعت گذشته ۸۰۷ نفر در این کشور بر اثر ابتلا به کرونا جان باخته‌اند، این بالاترین آمار قربانیان کرونا در یک روز است و پیش از این آمریکا با مرگ ۶۲۰ نفر در یک روز صدرنشین میزان قربانیان روزانه بود. گفتنی است برزیل با بیش از ۳۷۴ هزار مبتلا، در رتبه دوم دنیا قرار گرفته است.

## نام سرکرده داعش در فهرست تحریم

**آمریکا** | ایلنا | کمیته تحریم‌ها در شورای امنیت سازمان ملل، «امیر محمد عبدالرحمن المولی» (عراقی‌الاصل) مشهور به «ابو ابراهیم الهاشمی القرشی» سرکرده جدید گروهک تروریستی داعش را به اتهام برنامه‌ریزی برای انجام فعالیت‌های نیابتی از سوی داعش و القاعده در فهرست تحریم‌ها قرار داد. این کمیته تأکید کرده است که المولی در ربودن زنان ایزدی و کشتار آنان و قاچاق انسان نقش داشته است. گفتنی است که وزارت خارجه آمریکا نام المولی را اواسط ماه مارس در فهرست تروریسم قرار داد.

## انتقال بیمار ۲۰۰ کیلویی به بیمارستان

**چین** | رکنا | با اعلام مشکلات تنفسی برای یک بیمار در کشور چین، پرسنل اورژانس در منزل این فرد که طبقه چهارم یک ساختمان بدون آسانسور بود حاضر شدند. اما هنگام انتقال بیمار به آمبولانس به علت وزن دویست کیلویی این فرد دچار مشکل شدند و از آتش‌نشانان کمک خواستند. امدادگران با حضور در محل در عملیاتی دوساعته موفق به انتقال این بیمار به آمبولانس شدند. هم اکنون این بیمار در بیمارستان تحت درمان قرار گرفته است.

## شورش زنان داعشی در اردوگاه سوری

**سوریه** | مهر | زنان وابسته به تشکیلات تروریستی داعش که در اردوگاه الهول متعلق به آوارگان سوری و عراقی نگهداری می‌شوند با برگزاری تظاهرات اقدام به ایجاد تنش و شورش در این اردوگاه کردند. زنان داعشی در این تظاهرات در حمایت از تشکیلات تروریستی متبوع خود شعارهایی سر داده و پرچم‌های سیاه متعلق به داعش را در دست گرفتند. اردوگاه الهول یکی از خطرناک‌ترین اردوگاه‌ها در شرق استان حسکه واقع در شمال سوریه و در پانزده کیلومتری مرزهای مشترک این کشور و عراق واقع شده که دربرگیرنده ۶۵ هزار آواره و اعضای خانواده‌های داعشی است.

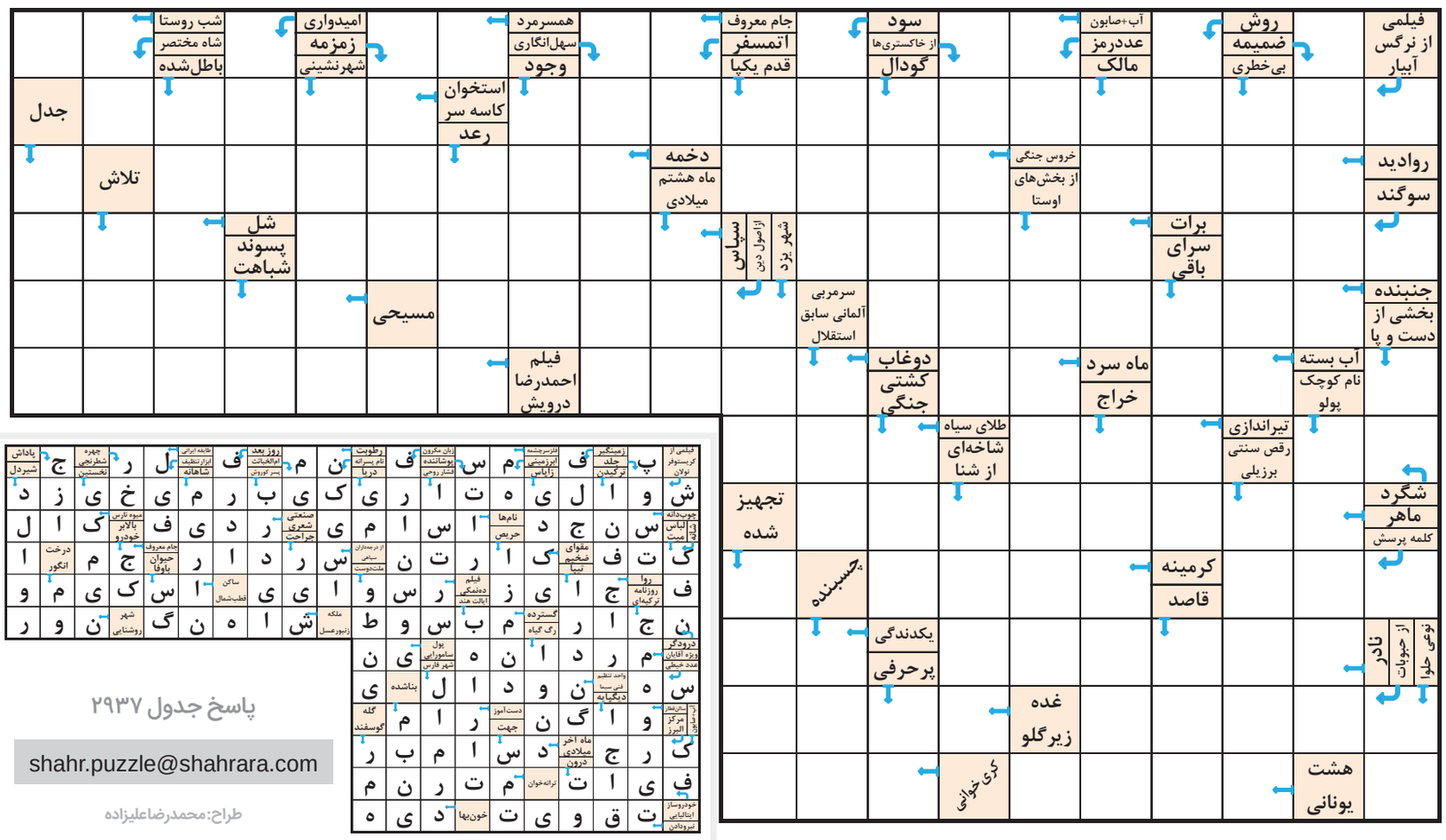
## سقوط یک بالگرد نظامی دیگر در روسیه

**روسیه** | ایرنا | هنوز یک هفته از سقوط بالگرد نظامی روسیه (۳۱ اردیبهشت) در اطراف مسکو نگذشته که رسانه‌های این کشور از سقوط یک بالگرد نظامی دیگر با ۴ کشته خبر دادند. این حادثه در شمال شرق در نزدیکی فرودگاه منطقه آنادیر رخ داد و این بالگرد نظامی از نوع می-هشت که در حال پرواز تمرینی بود در ارتفاع ۳۰ متری دچار نقص فنی شده و سقوط کرد. آتش‌سوزی بالگرد پس از سقوط موجب کشته شدن هر چهار خدمه آن شد. جعبه سیاه هر دو بالگرد سقوط کرده پیدا شده و تحقیقات درباره این حوادث ادامه دارد.

سرهنگ صارمی ساداتی، فرمانده انتظامی مشهد: یک مرد جوان و پسری نوجوان که با شناسایی خودروها و مغازه‌های بدون تجهیزات ایمنی اقدام به سرقت تجهیزات از خودروها و مغازه‌ها می‌کردند، از سوی مأموران کلانتری هاشمی‌نژاد دستگیر شدند. تاکنون ۱۲ مال‌باخته از متهمان شکایت کرده‌اند.



جدول شماره: ۲۹۳۸






پاسخ جدول ۲۹۳۷

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده